

## Critical comparison of formation patterns in local and Atabaki Seljuk dynasties

*Sayed Mahmood Samani*<sup>1</sup>

Received: 2021/05/07 | Accepted: 2021/07/11

(DOI): [10.22034/SKH.2021.6397](https://doi.org/10.22034/SKH.2021.6397)

### Abstract

### Original Article P 76 - 99

Hamza bin Abdul Muttalib, the uncle of the Holy Prophet (PBUH) is one of the few personalities who, after converting to Islam, did his best to protect the the Prophet (PBUH) and advance his goals. His bravery and sincere sacrifices in the battles of Badr and Uhud and some of the battles painted from him a mythical and heroic figure. His oppressed martyrdom in the third year of AH and his mutilation by the Quraysh polytheists in Uhud and being nicknamed to Sayyid al-Shuhada by the Prophet and his emphasis on mourning and pilgrimage to Hamza, has caused Muslims to honor and pilgrimage him during the Islamic centuries. In this article, which is organized in a descriptive-analytical method, the pilgrimage of Hamza in the tradition of the Infallibles (AS) and the manners of Muslims, has been studied and the rituals and customs of visiting his grave as well as his tomb in different periods have been discussed. The result of the article indicates that the pilgrimage of Hazrat Hamza has been considered by the Prophet (PBUH), Hazrat Zahra (PBUH) and other infallibles, companions and followers since the time of his martyrdom. Following this tradition has been considered by different Islamic religions in all Islamic periods and in addition to the Hajj season, when pilgrims of the Beytullah Al-Haram and the holy shrine of the Prophet usually go to visit Hamza and other martyrs of Uhud, on other occasions, pilgrimage to Hamza is considered by Muslims and there are special customs.

**Keywords:** Pilgrimage of Hamza, Innocents and pilgrimage of Hamza, Companions and pilgrimage of Hamza, Tomb of Hamza, Pilgrimage customs.

---

1 - University lecturer and researcher of Hajj and Ziarat Research Center



## پژوهشی در مزار و آیین زیارت حضرت حمزه (ع) با

### تأکید بر سنت و سیره

سید محمود سامانی<sup>۱</sup>

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2021.6397](https://doi.org/10.22034/SKH.2021.6397)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

نوع مقاله: پژوهشی

ص ۹۹/۷۶

#### چکیده

حمزه بن عبدالمطلب، عموی پیامبر اکرم(ص) از معدود شخصیت‌هایی است که پس از گرویدن به اسلام، تمام توان خود را برای حراست از رسول خدا(ص) و پیشبرد اهداف آن حضرت به کار بست. رشادت‌ها و فداکاری‌های مخلصانه او در غزوات بدر و احد و برخی از سرایا از او چهره‌ای اسطوره‌ای و قهرمان ترسیم کرد. شهادت مظلومانه او در سال سوم هجری و مثله شدنش توسط مشرکان قریش در احد و ملقب شدنش به سیدالشهداء از سوی پیامبر و تأکید آن حضرت بر عزاداری و زیارت حمزه، موجب اهتمام مسلمانان به تکریم و زیارت او در طول قرون اسلامی بوده است. در این مقاله که به روش توصیفی- تحلیلی سامان یافته است، زیارت حمزه در سنت معصومین(ع) و سیره مسلمانان، مورد بررسی قرار گرفته و از آئین و رسوم زیارت قبرش و نیز از مدفن و بقعه وی در ادوار مختلف سخن رفته است. برآیند مقاله حاکی از آن است که زیارت حضرت حمزه از همان زمان شهادتش مورد اهتمام رسول خدا(ص)، حضرت زهرا(س) و دیگر معصومان و صحابه و تابعین بوده است. اقتدای به این سیره در تمام ادوار اسلامی مدنظر مذاهب مختلف اسلامی بوده و افزون بر موسم حج که زائران بیت‌الله‌الحرام و مرقد مطهر نبوی به طور معمول به زیارت حمزه و دیگر شهدای احد رهسپار می‌شوند، در دیگر مناسبت‌ها نیز زیارت حمزه مدنظر مسلمانان بوده و رسوم خاصی در رابطه با آن وجود داشته است. **واژگان کلیدی:** زیارت حمزه، معصومان و زیارت حمزه، صحابه و زیارت حمزه، بقعه حمزه، رسوم زیارت.

۱ - مدرس دانشگاه و پژوهشگر پژوهشکده حج و زیارت. Mahmud.samani@gmail.com



## درآمد

حضرت حمزه از شخصیت‌هایی است که واکاوی ابعاد زندگی او و نقشی که جناب ایشان در تحولات و رویدادهای صدر اسلام داشته، در خور اهمیت بسیاری است. وی در مدتی نه چندان طولانی از زمان مسلمان شدن تا شهادتش، در رکاب رسول خدا(ص)، به عنوان فرماندهی رشید و دلاور، نقش بزرگی در تحولات سیاسی و اجتماعی ایفا کرد و سرانجام در غزوه احد در سال سوم هجری به شهادت رسید. مدفن او از همان سال شهادت، پیوسته مورد توجه پیامبر (ص) و دیگر معصومین، صحابه و تابعین بوده و زیارت می‌شده است.

زیارت حمزه در سیره معصومین(ع) و فرهنگ شیعه، جایگاه و اهمیت خاصی دارد و این در حالی است که این امر از سوی برخی جریان‌های روشنفکرانما و یا فرقی ساختگی نظیر وهابیت، مورد تخطئه قرار گرفته است. در منابع شیعی روایات فراوانی در باره تشویق به زیارت قبور وجود دارد. چنان که برخی از محدثان شیعه حضور بر مزار شهدای احد را مستحب دانسته‌اند. (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۲۹) از این روی، این نوشتار درصدد بررسی جایگاه زیارت، مرقد و آیین زیارت حضرت حمزه در سنت و سیره است.

با استقصای صورت گرفته، پیشینه‌ای با عنوان مقاله حاضر یافت نشد اما برخی از آثار تحقیقی به بخشی از موضوع مقاله ورود داشته است. "احد در بستر تاریخ: تألیف سعود بن عبدالمحیی بن الصاعدی و یوسف بن مطر المحمدی که سید مرتضی حسینی کمال آبادی آن را ترجمه کرده، اشاراتی به زیارت قبر حمزه دارد. وجه تمایز مقاله حاضر، با کتاب یاد شده در عدم جامعیت آن و نیز ارائه مباحثی است که تا جای ممکن بدون جهت‌گیری باشد. دیگری کتاب "احد" که اثری است به عربی و بسیار کم‌حجم از نویسنده‌ای نامشخص، که در آن به مکان احد و غزوه صورت گرفته در آن، برخی شهدای احد، فضیلت زیارت حمزه و سائر شهدا سخن به میان آورده است. بدیهی که یک اثر کوتاه حق مطلب در هیچ قسمتی ادا نشده است. "حرم حضرت در بستر تاریخ" مقاله‌ای از محمد صادق نجمی است که در فصلنامه میقات حج منتشر شده اما با مقاله ما در محتوا تفاوت دارد. نویسنده اخیر همچنین کتابی به نام "حمزه سید الشهداء" دارد که در آن به شخصیت، فضایل و نقش وی در غزوات احد و بدر پرداخته است.

مقاله حاضر در محورهای زیارت و جایگاه آن؛ مدفن و بقعه حمزه در ادوار مختلف؛ زیارت در سنت و سیره و آیین و رسوم زیارت حمزه تنظیم شده است.

## الف) زیارت و جایگاه آن

زیارت برگرفته از واژه "زور" به معنای میل کردن (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۳۱۹) و نیز دیدار و سر زدن به کسی و از جایی است و "مزار" به معنای محلّ زیارت، مرقد، ضریح و زیارتگاه است. (راغب، ۱۴۱۲، ۳۸۶) همچنین، زیارت در عرف آن است که انسان با اندیشه بزرگداشت کسی و انس گرفتن با او، با تمام توجه به وی روی آورد. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷: ۷۹ و راغب، ۱۴۱۲، ۳۳۴) از نظر برخی اندیشمندان، زیارت، تعظیم، تکریم، گرمی داشت و یادکرد انسان‌های شایسته، هنرمند، فرهیخته، فرهنگ‌ساز، نقش‌آفرین، مصلح و متحوّل‌کننده تاریخ و نیز زنده نگه داشتن نام و یاد آنها پس از مرگ است. لازمه‌ی محبت، عشق و ارادت انسان‌ها به نیکی‌ها و کمالات است و ریشه در فطرت و سرشت آدمی دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۷)

با مطالعه تاریخ مشاهده می‌گردد که در ادیان گذشته همواره بزرگ‌مردان تاریخ به نیکی یاد شده‌اند و به یاد و بزرگداشت آنها بناها یا نمادهایی بر قبورشان ساخته‌اند که بسیاری از آنها پس از گذشت قرن‌ها، همچنان پابرجا و محلّ زیارت مردم است. (طبری، بی‌تا، ج ۱: ۹۲) بنا بر این می‌توان گفت تاریخ زیارت، به تاریخ آفرینش انسان بازمی‌گردد.

در دین مبین اسلام نیز طبق سنت پیامبر (ص)، زیارت اهل قبور مرسوم بوده و آن حضرت که اسوه حسنه است، خود به زیارت قبر پدر و مادرشان و نیز شهدا رفته‌اند. چنان که در حجّه‌الوداع (سال دهم هجری)، قبر مادرشان آمنه را در جایی به نام ابواء (حد فاصل مدینه و مکه) زیارت کرده‌اند. (طبرسی، ۱۳۹۹، ج ۱: ۵۲) همچنین بر مرگ فرزند خود، ابراهیم گریسته‌اند (عبدالرزاق، بی‌تا، ج ۳: ۵۵۳) که این موارد، خود تأییدی است بر زیارت درگذشتگان. همچنین پیامبر (ص) مسلمانان را به زیارت خود، خاندان‌شان و مؤمنین دعوت و توصیه می‌کرد؛ چنان که فرمود: ابتدا شما را از زیارت قبور (به سبب رفتن به زیارت مشرکان) نهی کرده بودم، اکنون که قبور مسلمانان و شهیدان در مقابل شماست، زیارت کنید. (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱: ۱۴۹) آن حضرت یکی از آثار زیارت را ایجاد رقت قلب دانسته و افزوده است زیارت، دل‌ها را نرم و دیدگان را اشکبار می‌سازد و آخرت را به خاطر می‌آورد و عبرت‌آموز است. همچنین، گریه حضرت فاطمه (س) در رحلت پدر و سوگواری امیرمؤمنان علی (ع) بر مدفن دخت رسول خدا (ص) و بالأخره، زیارت جابر بن عبد الله انصاری از حائر مقدّس امام حسین (ع)، نمونه نخستین زیارت‌ها و بهترین زائرین است. (رکنی یزدی، ۱۳۶۲، ۸) از ابعاد مثبت زیارت می‌توان به نقش الگوگیری از بزرگان اشاره کرد که مردم با زیارت آنان (از نزدیک یا دور) با ویژگی‌های ایشان بیشتر آشنا

می‌شوند. افزون بر این، زیارت قبور شهیدان و اولیای الهی، گذشته از نقش الگوگیری، نوعی تکریم و پاسداری از آرمان‌های آنان، یافتن آرامش روحی و معنوی، پیدا کردن روح توحیدی، تقویت یاد معاد، رقت قلب و مشمول شفاعت شدن است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۴۱) قابل یادآوری است که در زیارت، مزور حقیقی پروردگار است، اما از این رو که افرادی مانند معصومین (ع) و اولیا، مظهر اسماء و صفات الهی و نشانه جمال و جلال الهی هستند و همه شئون آنان الهی است، زیارت آنان در آموزه‌های شیعی همانند زیارت خداوند در عرش دانسته شده است. (واعظ جوادی، ۱۳۹۱، ۸۰-۷۹) چنان که امام صادق (ع) در اهمیت زیارت پیامبر (ص) بدان نکته تصریح فرموده اند. (طوسی، ۱۴۱۲، ج ۶: ۴) به گونه‌ای که حکم زیارت ایشان در زمان حیات یا وفاتشان تفاوتی نمی‌کند و فضیلتش یکی است. (مازندرانی، بی‌تا، ج ۵: ۵۲۱)

یکی از مزارهای مورد توجه معصومین (ع) و دیگر مسلمانان مدفن حضرت حمزه در مدینه منوره و در دامنه کوه احد است که از همان سالهای نخست هجری، از مهم‌ترین زیارتگاه‌ها به شمار می‌آمده و مورد سفارش و تأکید ویژه معصومان (ع) بوده است.

#### ب) مرقد و بقعه حضرت حمزه

قبر حضرت حمزه و سایر شهدای اُحد در حدود پنج و نیم کیلومتری مسجد النبی در شمال شهر مدینه منوره (جعفریان، ۱۳۸۶، ۴۱۸) در مجاورت کوه احد و محل زیارت رسول خدا (ص)، اهل بیت (ع) و صحابه بود. این مکان هم اکنون نیز از جاهای زیارتی زائران مدینه است. به نقل از مدینه‌شناسان، قبر حضرت حمزه و برخی دیگر نسبت به قبور سایر شهدای احد، متمایز است و آن کنار وادی شام به طرف کوه (احد) است (ابن شبه، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۳۰) و مکان کنونی آن حدود پنجاه متر جلوتر از سایر شهدا قرار دارد. البته در باره مدفن او دو قول وجود دارد که مشهور آن، حاکی از جابجایی قبر آن حضرت است و دلیل چنین اقدامی گزارش ذیل است:

بنا به خبری، در جریان سیلی -در دوران خلافت معاویه (حک: ۴۱-۶۰ ع.ق.)- به قبر حضرت حمزه (ع) نیز آسیب وارد شد، چنانکه نزدیک بود بدن مبارک ایشان نمایان شود، از این رو جنازه آن حضرت و خواهر زاده‌اش عبدالله بن جحش اسدی را خارج ساخته و کمی آن طرف‌تر، جایی که اکنون محل قبر آنهاست مدفون ساختند. مطابق خبر دیگری، چون قبر برخی شهدا در مسیر سیل واقع شده بود از این رو اجساد آنان جایی دورتر از مکان قبلی دفن شدند. (ابن نجار، ۱۴۲۷، ۲۱۲) از این خبر می‌توان برداشت کرد که برخی، آسیب دیدگی به قبر را در صورت جاری شدن

سیل پیش‌بینی می‌کردند لذا پیش از وقوع آن در صدد انتقال اجساد شهدا به جای دیگر برآمدند. مؤید این جابجایی سخن جابر بن عبد الله است که اجساد شهدا را دیده بود که همچون اشخاص خفته بر دوش مردم حمل می‌شده‌اند. بنا به سخن جابر، گوشه بیل به کنار پای حمزه خورد و از آن خون بیرون آمد. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۴: ۳۸۹) بنابر این نقل‌ها، مدفن حمزه از جای اول به جایی در همان محدوده منتقل شده است. در مقابل، گزارشی وجود دارد که نشان از تغییر نکردن قبر آن حضرت دارد چنان که بنا به نقلی، در سال ۴۹ هجری و پس از گذشت ۴۶ سال از جنگ اُحد از طرف معاویه دستور صادر شد که در اُحد قناتی حفر و مجرای آن را در کنار و یا داخل قبور شهدا قرار دهند. با آماده شدن آن، به مردم مدینه اطلاع داده شد کسانی که در اُحد شهید دارند برای در امان ماندن اجساد و قبور آنان از نفوذ و جریان آب، این قبور را نیش و اجساد شهدا را به محلّ دیگر انتقال دهند. از جمله قبر حمزه، عمرو بن جموح و عبدالله بن جابر شکافته شد. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳: ۷ و بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۴: ۳۸۹) در این هنگام مجریان امر مشاهده کردند که اجساد شهدا تازه مانده و گویی که دیروز دفن شده‌اند؛ به طوری که وقتی بیل کارگر به پای حضرت حمزه خورد، خون جاری گردید و یا آنگاه که دست یکی از شهدا - که بر زخم پیشانی‌اش قرار داشت - برداشته شد خون جاری گردید و این کرامت شهدا موجب شد که کارگزاران حکومت از تصمیم خود منصرف شده، قبور شهدا را به حال خود بگذارند. (ابن شیه، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۳۳ و طبری، بی‌تا، ج ۲: ۳۱۹ و ابن کثیر، ۱۴۱۱، ج ۴: ۳۶) این قول در منابع متعددی بازتاب یافته است.

در هر صورت، تشویق‌های رسول خدا (ص) مبنی بر زیارت شهدای اُحد به‌ویژه قبر حمزه سیدالشهدا، سبب توجه ویژه مسلمانان به قبر او و دیگر شهدای اُحد شد و از قرون نخستین اسلامی روی قبر او گنبد و بارگاهی ساختند که دارای مجموعه‌ای از حرم و گنبد و بارگاه بود و به زیارتگاهی با شکوه تبدیل شد و بعدها چند بار نیز مورد بازسازی قرار گرفت.

مشهور آن است که قبر حضرت حمزه در میان صندوق چوبی و ضریحی بود که آن را با پارچه‌ای از مرقد رسول خدا (ص) پوشانیده بودند. با ساخته شدن مسجدی، این قبر در داخل آن قرار داشته و در دوران سیادت دولت عثمانی بر حجاز، بنای این مسجد به‌طور زیبایی ترمیم و تجدید شده بود. (رفعت پاشا، بی‌تا، ج ۱: ۳۹۲)

به نوشته نجفی از مدینه شناسان، بر اساس سنگ‌نوشته‌ای که تا قبل از تخریب مسجد و بنای مرقد به فتوای فقیهان وهابی، بر سر درب اصلی قرار داشته، تاریخ تأسیس مسجد سال ۲۷۵ هجری قمری معلوم می‌گردد. اما سمهودی به نقل از عبدالعزیز بن عمران (از

مدینه‌شناسان قرن دوم)، آورده که از قدیم بر قبر حمزه مسجدی بوده است. (سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۳: ۱۰۴) پس بنا به گفتار این دو مدینه‌شناس، قبر حضرت حمزه در قرن دوم دارای حرم بوده و در زیر سقف قرار داشته است، گرچه تاریخ دقیق این بنا و همچنین بانی آن برای ما روشن نیست. همان گونه که یاد آوری شد، کتیبه موجود در کنار مدفن سایر شهدای اُحد بیانگر این بوده که قبور آنان هم در سال ۲۷۵ دارای بنا بوده است.

ابن جبیر جهانگرد معروف (م ۶۱۴) که در سال ۵۷۹ ق. به مدینه سفر کرده، می‌نویسد: مسجدی بر روی قبر حمزه ساخته شده و قبر در فضای داخلی مسجد قرار گرفته است. (ابن جبیر، ۱۹۸۶، ۱۵۵) ابن نجار (م ۶۴۳ ق.)، مدینه‌شناس قرن هفتم نیز می‌نویسد: در سال ۵۹۰ ق. مادر خلیفه عباسی، الناصر لدین الله (حک: ۵۷۵ - ۶۲۲ ق.) برای حمزه حرم بزرگی بنا نهاد و ضریحی منقش از چوب ساج بر قبر او نصب کرد و اطراف حرم را دیوار کشید و بر این حرم دری از آهن گذاشت که این در، روزهای پنج شنبه به روی زائران باز است. (ابن نجار، ۱۴۲۷، ج ۱: ۷۳) بنا به نوشته رفعت پاشا: گرچه حرم حضرت حمزه را مادر خلیفه عباسی در سال ۵۹۰ بنا کرده است لیکن این حرم در سال ۸۹۳ توسعه یافت و به دستور ملک اشرف قایتبای (از سلاطین مملوکی مصر) و با سرپرستی شاهین الجمالی متولی حرم شریف نبوی (ص) در سمت غربی آن چاهی حفر شد و چاه دیگری نیز با چند دستگاه سرویس بهداشتی به فاصله دور از حرم، برای استفاده زائران احداث گردید. (رفعت پاشا، بی‌تا، ج ۱: ۱۹۲)

سمهودی (م ۹۱۱ ق.) حرم حضرت حمزه را به همان شکلی که ابن نجار در سه قرن قبل از وی توصیف کرده است مشاهده نموده است. وی بقیه کلام ابن نجار را در مورد ضریح حضرت حمزه نقل می‌کند که: دارای ضریحی از چوب ساج همانند ضریح جناب ابراهیم و جناب عباس و حضرت امام حسن مجتبی (ع) است. سپس می‌گوید: ولی امروز بر خلاف سه قبر یاد شده، در قبر حمزه، ضریح چوبی که ابن نجار از آن یاد کرده وجود ندارد، بلکه ضریح و قبر او از گچ و آجر است و شاید این ضریح با مرور زمان و با از بین رفتن آن ضریح چوبی ساخته شده است. سمهودی در آخر گفتارش، انتساب این بنا را به مادر خلیفه عباسی مورد تأکید قرار می‌دهد و می‌گوید: تاریخ این بنا که سال ۵۹۰ است بر دیوار آن، در یک لوح با خط کوفی گچ کاری تا امروز باقی است.

از گزارش سید اسماعیل مرندی که در سال ۱۲۵۵ ق. قبر حضرت حمزه را زیارت کرده و به توصیف آن مبنی بر داشتن قبه، صحن، صندوق چوبی و انداختن پارچه روی قبر (نجمی، ۱۳۷۹،

۲۰۸-۲۱۰) اشاره کرده بر می‌آید که در فاصله سه قرن و نیم، تغییرات اساسی در حرم حضرت حمزه به وجود نیامده، جز آن که ضریح چوبی دیگری به جای ضریح آجری نصب شده است. همچنین از توصیف ابراهیم رفعت پاشا، که در سال ۱۳۲۵ ق. نوزده سال پیش از تخریب حرم حضرت حمزه آن را زیارت کرده است، مشخص می‌شود که اصل بنا و ساختمان حرم همان بوده است که پیشینیان در قرن‌های گذشته آن را تعریف و توصیف نموده‌اند. ولی در عین حال از سخن او به دست می‌آید که در زمان وی بعضی توسعه‌ها در اطراف حرم و بعضی تزیینات در داخل آن وجود داشته است که این توسعه‌ها در گذشته وجود نداشته و یا مورخان گذشته از آن یاد نکرده‌اند. سخن او درباره حرم و ضریح حضرت حمزه چنین است:

این مسجد (حرم) دارای بنایی محکم و در عین حال ساده و خالی از تزیینات و دارای گنبدی است که در بالای ضریح حمزه قرار گرفته است و بر این ضریح پرده‌ای مليله دوزی کشیده شده است، پارچه این پرده از جنس پرده در کعبه است که در مصر بافته می‌شود و در یک طرف آن نوشته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا. و در طرف دیگرش نوشته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا. آنگاه عکسی را از داخل حرم ارائه می‌دهد که گویای وجود شبکه فلزی نسبتاً بزرگی در روی قبر شریف است و چند نفر، از جمله خود او در کنار ضریح نشسته‌اند و در ضمن معرفی آنان می‌گویند از دست راست اولین شخص متولی حرم است.

ابراهیم رفعت پاشا با بیان اینکه در بیشتر منابع تاریخی آمده است: محلّ شهادت حضرت حمزه در دامنه «جبل الرمات» بوده و رسول خدا (ص) پیکر او را به این محلّ مسطح و هموار منتقل کرده و در آنجا دفن نموده است، به معرفی مصرع پرداخته، می‌گوید: در داخل ساختمان «مصرع»، ضریحی دیده می‌شود که در اطراف آن پنج بیت شعر نوشته شده، با مطلع:

أَعْظَمُ بِمَشْهَدِ لَيْثِ اللَّهِ حَمْزَةً مِنْ بِيَوْمِ أُحُدٍ لَخَيْرِ الْخَلْقِ قَدْ نَصَرَ

چه با عظمت و با شکوه است محلّ شهادت شیر خدا حمزه؛ کسی که در جنگ احد به

بهترین خلق یاری کرد.

ابراهیم رفعت سپس قطعه شعر دیگری را نقل می‌کند که در لوحی نوشته‌اند و در داخل

ساختمان مصرع نصب کرده‌اند که از جمله ابیاتش این است:

مَسْجِدُ حَازٍ كُلِّ فَخْرٍ وَسُودِدُ      بَدَا وَرَهَ إِلَى الْعَرْشِ يَصْعَدُ



مسجد منه روحٌ خیر شهید رجعت بالرضا یفوز مؤبّد

این مسجدی است که تمام افتخار و بزرگی را حایز گردیده و اینک نور او بر عرش صعود می‌کند. این مسجدی است که روح بهترین شهید، از آن برای نیل به سعادت ابدی به سوی خدا رجعت نمود.

ابراهیم رفعت می‌گوید لوح دیگری در بالای ضریح «مصرع» دیده می‌شود که در آن، این دو بیت نگاشته شده است:

قف علی أبوابنا فی کلّ ضیق واطلب الحاجات وأبشر بالمنی  
فحمانا ملجأً للطالبین وینا تجلیّ الکروب والعنا

در هر پیش آمد ناگوار به آستانه ما ملتجی باش و حاجات خود را بخواه و مژده باد بر تو برآورده شدن خواسته‌هایت. آستانه ما پناهگاه نیازمندان است و به وساطت ما است که غم‌ها و رنج‌ها برطرف می‌شود.

او سپس ضمن ارائه عکسی از اطراف حرم حضرت حمزه، به خانه‌ای که در پشت باغ خرما دیده می‌شود، اشاره نموده، می‌گوید: اینجا منزل مسکونی خادم «مصرع» حمزه علیه السلام است.

حسام السلطنه (م. ۱۳۰۰ق.) به وصف بقعه موجود پرداخته و نوشته است: اول وارد بقعه حمزه سید الشهدا شدیم، دهلیزی داشت، از آنجا داخل صحن شدیم. بقعه مبارک در سمت یسار (چپ) درب صحن واقع است و شبیه به دو تالار تو در تو است که یک شاه‌نشین در وسط داشته باشد. ضریح مبارک در بقعه اول است و از دو طرف شاه‌نشین، راهی به طرف بقعه دوم است. (حسام السلطنه، بیتا، ۱۵۵)

ریچارد بورتون جهانگرد انگلیسی که در سال ۱۸۵۳ میلادی تقریباً یکصد و پنجاه سال پیش، از احد دیدار کرده است می‌نویسد: اینک در جایگاهی که حمزه به شهادت رسیده است قبه و گنبد محکمی بنا گردیده است. (نجمی، ۲۱۰، ۱۳۷۹-۲۰۸) این گزارش نشان می‌دهد که در دوران تسلط امپراتوری عثمانی بر حرمین شریفین، بر مقبره حضرت حمزه گنبد و بارگاهی وجود داشته و این بنا و بناهای دیگر تا سال ۱۳۴۴ باقی بوده است. پس از دیرگاهی -نزدیک به یکصد سال قبل یعنی تا سال ۱۳۴۴ بعد از تسلط آل سعود و وهابی‌ها بر مدینه منوره - این بناها به مانند سایر بقاع و حرم‌ها در مدینه و مکه تخریب شد.

علت تخریب بقعه حضرت حمزه در دوران خلافت سعودی، بنا بر آنچه یکی از مؤلفین وابسته به حکومت سعودی، به‌طور علنی ذکر می‌کند، این است که چون زوآر این مسجد را مسح و لمس

نموده و هدایا و نذورات می‌دادند، لذا مسؤولین نیز آن را تخریب ساخته و دیوار آن را با زمین مساوی کردند. چون قبور شهدا مکشوف شد و نیاز به حفظ آن بود حکومت سعودی به سال ۱۳۸۲ هـ. دیواری بر گرد قبور شهدای احد کشیده و آن را محصور ساخت. به اعتراف نویسنده و محقق سرشناس عربستانی یاسین الخیاری، مردم در کنار قبر حمزه که به مسجد حمزه معروف بود، نذورات می‌پختند و قبور را لمس و مسح می‌کردند. از این رو کارگزاران آل سعود برای جلوگیری از این اعمال، گنبد و بارگاه را تخریب کردند. (قائدان، بیتا، ۱۹۲)

مطابق گفته یکی از محققان: پس از تخریب بنای عظیم مشهد حمزه و صحابه در احد، زمین اطراف مقابر حساری نداشت و مکرر دیده شده که سگ‌های ولگرد آن وادی، از روی قبور رفت و آمد می‌کردند. عده‌ای از عالمان مدینه موضوع را با امیر وقت مدینه در میان گذاردند و او دستور به احداث دیوار و حصاربندی آن نمود و پیشنهاد استفاده از ضریح آهنی را که قبل از این، در اطراف مقابر اهل بیت در بقیع بود، برای حصار مقابر شهدای احد پذیرفت که توسط علاقمندان اهل‌بیت به محلی امن انتقال یافت و از آن مراقبت می‌شد. قابل یادآوری است که این ضریح از طرف ایرانیان و حمایت شاه قاجار با همکاری و موافقت سلطان عثمانی به مدینه حمل شده بود و در محل معروف به قبه اهل‌بیت نصب گردیده بود. (نجفی، بیتا، ج ۲: ۲۶۲-۲۶۱)

مطابق نوشته خیاری، به دستور آل سعود در سال ۱۳۸۳ ق. محوطه شهادتگاه حضرت حمزه را با دیواری محصور کردند. بنا بر این اکنون مقبره شهدا داخل چهار دیواری واقع شده (خیاری، ۱۴۱۹، ۱۳۰) و در کنار آن مسجدی زیبا، بزرگ و مستحکمی در سمت شرقی مزار شهدای احد و حدود ۵۰ متری آن به نام «مسجد حمزه» ساخته شده و آن دارای یک مناره است.

همچنین باید یادآور شویم که اگر مقصود از مشهد حمزه همان باشد که اکنون مسجد حمزه است به یقین باید گفت که غلط است، چون مسجد در شرق مقبره الشهداء است، در حالی که جنگ در محل مقبره به سمت غرب و در واقع در غرب جبل الرمات رخ داده است. (حافظ علی، بیتا، ۱۹۶-۱۹۷) اکنون زائران، امکان ورود به داخل مقبره را ندارند و از بیرون آن اقدام به خواندن فاتحه می‌کنند. خواندن زیارت‌نامه نیز ممنوع است. با وجود این محدودیت‌ها، مقبره الشهداء احد از مکان‌های بسیار مقدس و زیارتگاه‌های عمومی شهر مدینه است که تقریباً همه زائران مدینه جز سلفی‌ها به زیارت آنجا نیز می‌روند.

### ج) زیارت قبر حمزه در سنت و سیره پیامبر (ص)

از جمله قبوری که توصیه به زیارت آن شده، زیارت حضرت حمزه است که بر اساس سیره پیامبر (ص) و معصومان (ع)، از اعمال مستحب و بلکه یکی از مستحبات مؤکد برای مسلمانان است و در این موضوع، فقهای شیعه و علمای اهل سنت اتفاق نظر دارند. و بهترین روز زیارتی آن حضرت را روز دوشنبه و پنجشنبه دانسته‌اند. (امینی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۱۶۰)

۱. زیارت حمزه در سخن پیامبر (ص): از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمود هر کس به زیارت من بیاید، اما عمویم حمزه را زیارت نکند به من جفا کرده است. (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۰: ۱۹۸ و حلی، ۱۴۲۰، ۹۲) مطابق نقل‌هایی، آن حضرت در باره زیارت شهدای احد و درود فرستادن بر آنان، توصیه فرموده است که به زیارت شهدای احد بروید و بر آنان سلام کنید. (مرجانی، بی‌تا، ج ۱: ۱۴۷) رسول خدا (ص) درباره شهدای احد فرمود: "شهادت می‌دهم اینان در روز قیامت نزد خداوند متعال شهیدانند، به زیارت آنان بروید و بر آنان سلام و درود بفرستید، سوگند به آن که جان من در دست اوست تا روز قیامت، کسی بر آنان سلام نمی‌دهد مگر اینکه جواب سلام او را می‌دهند." آن حضرت هنگامی که به زیارت قبر حمزه و دیگر شهدا می‌رفت، خطاب به آنان می‌فرمود: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ. (ابن شهبه، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۳۲ و ابی الحدید، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۲۱)

اصولاً در بینش رسول الله (ص) مزارات و اماکن مقدسی وجود داشتند که شایستگی توجه و عنایتی بیش از پند گرفتن و عبرت‌آموزی را دارا بودند. ایشان در قالب اعمال و گفتارشان این مهم را گوشزد کرده‌اند. پیامبر (ص) به تکریم و زیارت قبور مؤمنین در سراسر عمر خود اهتمام خاصی می‌ورزید. "سمهودی" در این مورد روایتی مهم منقول است: "وقتی فاطمه بنت اسد از دنیا رفت قبر او توسط نبی مکرم اسلام (ص) در جایی قرار گرفت که مسجد بود." (سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۲: ۵۱۷) بدیهی است که توجه و دقت ایشان در این امر با توجه به درجات ایمان و محبت‌های فاطمه بنت اسد همسر ابوطالب، به رسول خدا (ص) بوده است که در گذشته انجام شده بود، و از منظر رسول الله (ص) از نشانه‌های بزرگداشت مؤمنان، قبور ایشان و حفظ حرمت و جایگاه آن قبور بوده است. از این رو ساخت مقابر و حتی مساجد بر قبور مسلمین و مؤمنین از سوی رسول گرامی (ص) هرگز مورد اعتراض قرار نگرفته است. پیش‌تر نیز وقتی عثمان بن مظعون جُمحی صحابی آن حضرت (ص) از دنیا رفت، ایشان شخصاً سنگی بر قبر او گذاشت (ابن نجار، ۱۴۲۷، ج ۲: ۱۶۸) جالب آنکه بعدها معاویه همان سنگ را روی قبر خلیفه سوم

عثمان بن عفان گذاشت. (سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۳: ۸۴)

بدین ترتیب منابع نشان می‌دهند پیامبر اسلام (ص) تا واپسین روزهای حیاتش در امر زیارت قبور، منعی قائل نشدند. از مواردی که منابع بر آن تأکید دارند زیارت بقیع توسط ایشان در آخرین روزهای زندگی است. بنا به نوشته ابن هشام، رسول خدا، هنگام شب و با وجود ضعف و بیماری، به گورستان بقیع رفت و برای اهل قبور آمرزش طلبید. (ابن هشام، ۱۰۹۷، ج ۲: ۱۰۹۷) شاید آمرزش طلبیدن برای اهل قبور از هر جا ممکن باشد، اما تأکید پیامبر با وجود رنجوری و ضعف جسمانی بر حضور در محل، بیانگر اهمیت موضوع زیارت و اهمیت برخی اماکن در سیره ایشان است.

همین رفتار پیامبر (ص) سبب می‌شد وابستگان و اهل بیت (ع) نیز همین نگاه را به اصل زیارت داشته باشند. از ابن ابی ملکه منقول است که: عایشه به زیارت قبر برادرش عبدالرحمن در مکه می‌رفت. او در منطقه‌ای به نام حبشی که در نزدیکی مکه است درگذشت و به مکه انتقال یافت و دفن گردید. (عبدالرزاق، بی‌تا، ج ۲: ۵۷۰ و یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۲: ۲۱۴)

- زیارت حضرت حمزه در سیره رسول خدا (ص): آن حضرت پس از نبرد احد سالی یک‌بار به زیارت حمزه و دیگر شهدای احد می‌رفت (ابن شهبه، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۳۲ و متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۱۳۲) چنان که برخی منابع، به زیارت پیامبر (ص) از قبور شهدای احد و بازسازی قبور توسط آن حضرت و نیز گریه، نماز و دعای ایشان بر سر قبور شهدای احد اشاره کرده و جواز برداشتن تربت حضرت حمزه برای شفا و اجماع قدما و متأخران بر این مطلب را از برخی علما نقل کرده‌اند. (حسینی مدنی، ۱۴۱۷، ۲۵۲-۲۵۴) برخی از مدینه‌شناسان گفته‌اند رسول خدا در آغاز هر سال به زیارت قبور شهدای احد می‌رفت و برای آنها دعا و طلب مغفرت می‌کرد. (سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۲: ۹۳۰) نتیجه آن که زیارت شهدای احد در سیره و کلام رسول گرامی (ص) مشهود است.

بررسی روایات و گزارش‌های تاریخی بیانگر این است که قبر حمزه در احد به عنوان مقتل شهدا، همواره مورد توجه و عنایت پیامبر اسلام بوده است. خاندان پیامبر و اصحاب نیز با تأسی به رسول الله (ص) به آن مکان و زیارت دفن‌شدگان اهتمام جدی داشتند. همین امر باعث شد مسلمانان در طول تاریخ به احد توجه کنند و با هدف زیارت، دعا و استغفار در آنجا حضور یابند.

البته باید توجه داشت که حضور در صحنه نبرد احد و گزیندن پند و عبرت نیز، از اهداف زیارت حمزه و دیگر شهدای احد است. زائر با ورود به میدان نبرد احد و مطالعه دقیق این جنگ مهم، به تحلیل علل وقایع آن می‌پردازد و ضمن تجلیل و قدردانی از شهیدانی چون حضرت

حمزه سیدالشهدا و حنظله غسیل الملائکه، پایداران در نبرد و قصور کنندگان در صحنه نبرد را در طول تاریخ خواهد شناخت و در عین حال نصرت حق را نظاره خواهد کرد. هرچند نبرد احد با شکست مسلمانان به پایان می‌رسد؛ اما عبرت آن در دامنه کوه باقی می‌ماند تا در آینده اسلام، هدف‌ها و آرمان‌های بزرگ مسلمانان را در جهاد علیه کفر هدایت کند و یاد و خاطره سینه دریده حمزه، سید شهدای احد و گوش و بینی بریده عبدالله بن جحش در پای نرده‌های قبرستان احد، عمق کینه دشمنان اسلام را به خاطر کسانی بیاورد که برای عبرت گرفتن آمده‌اند. احد یادآور دلاوری‌ها، جانبازی‌ها و رشادت‌های پیامبر(ص) و یاران اوست. حادثه نبرد احد که در منابع تاریخ به تفصیل آمده است، بسیار درس آموز و تنبیه‌آفرین است.

## ۲. زیارت حضرت حمزه در سیره حضرت زهرا(س)

- **مداومت در زیارت:** بنا به روایتی از امام صادق(ع) حضرت فاطمه(س) بر زیارت قبر حضرت حمزه مداومت داشت و هر هفته دو تا سه بار به زیارت قبر عمومی خود و دیگر شهیدان احد می‌رفت. (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۱۳) در خبر دیگری آمده است دختر رسول خدا (ص) هر سه روز یک‌بار برای زیارت قبور شهدای احد می‌رفت. (همان) در برخی نقلها، فاصله زیارت آن حضرت، هر دو روز یک‌بار آورده شده که حاکی از مداومت و تقید او به زیارت شهیدان احد است. بیهقی نیز یادآوری می‌کند که دختر رسول خدا(ص) به صورت مداوم به زیارت قبرش رفته و رسوم زیارت را به‌جا می‌آورد. (بیهقی، ۱۴۰۵، ۱۳۲)

- **زمان زیارت:** بنا به اخباری، حضرت زهرا(س) در هر بامداد روز شنبه (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۸۰) و به قولی روز جمعه (نیشابوری، بی‌تا، ج ۱: ۳۷۷) کنار مزار شهدای احد (طوسی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۴۶۵) و سپس کنار قبر حمزه می‌رفت و برایش دعا و طلب رحمت می‌کرد (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۸۰) و نماز می‌خواند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۵۶۱) و بنا بر گزارش‌هایی می‌گریست. (نیشابوری، بی‌تا، ج ۱: ۳۷۷) مطابق قولی دیگر، دختر رسول خدا(ص) روزهای دوشنبه و پنجشنبه به زیارت حمزه و شهدای احد می‌رفت و نماز می‌خواند و در آن جا دعا می‌کرد و تا زمان رحلتش آن را ترک نفرمود. (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۳: ۲۲۸ و ج ۴: ۵۶۱)

- **گریستن و عزاداری:** گزارش شده است که هنگامی که رسول خدا(ص) پس از از جنگ احد به سوی مدینه آمد از کنار خانه‌های بنی‌الاشهل و بنی‌ظفر گذشت و صدای گریه آنها را بر شهدای‌شان شنید، اشکش جاری شد و فرمود امروز حمزه گریه کننده‌ای ندارد. وقتی سعد بن

معاذ و اسید بن حضیر سخن آن حضرت را شنیدند گفتند که هیچ زنی برای شهید خود گریه نکند مگر پس از آنکه به نزد فاطمه (س) بیایند و او را در گریه بر عموی پدرش یاری دهند. (طبرسی، ۱۳۹۹، ج ۱: ۱۸۳) این مسأله و روضه حمزه سنتی مستمر در مدینه شد. دختر رسول خدا (ص) زهرای اطهر به هنگام حضور در کنار قبر شهدای احد، می‌گریست و دعا می‌کرد. (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۳۱۳) آن حضرت، برای حمزه سیدالشهداء عزاداری می‌کرد. (بحرانی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۷۰) چنان که گفته شده: "فاطمه زهرا علیها السلام، هر جمعه به زیارت قبر عمویش حمزه می‌رفت و در آنجا نماز می‌خواند و گریه می‌کرد" (عبدالرزاق، بیتا، ج ۳: ۵۷۲) بنا به نقل برخی محدثان، بعضی از روایان گفته‌اند که آن سیده جلیله (فاطمه س) بر سر قبر حمزه می‌رفت و گریه می‌کرد و من در یکی از روزها به زیارت حمزه مشرف شدم دیدم که آن مظلومه نزد قبر حمزه مشغول به گریه است، من صبر کردم تا گریه اش فرو نشست، نزدیک رفتم و سلام کردم و گفتم: یا سیدة النسوان به خدا سوگند که با گریهات رگهای دلم را قطع کردی. فرمود: برای من گریستن سزاوار است چرا که داغدار بهترین پدر هستم. سپس گفت: شوق دیدار رسول خدا (ص) را دارم. آن‌گاه این بیت را زمزمه کرد: هر کس می‌میرد یاد و ذکر او کم می‌شود / غیر از پدرم که به خدا قسم پس از مرگش یادش بیشتر شده است و (روز به روز هم فزون‌تر می‌شود).

نتیجه آن که آن حضرت به طور منظم به زیارت قبر عمویش حمزه می‌رفت و رسوم زیارت را به‌جا می‌آورد. (بیهقی، ۱۴۱۶، ۱۳۲)

- اصلاح و تعمیر قبر حمزه: بنا به نقلی، حضرت فاطمه (س) قبر شریف حمزه سیدالشهدا را با تکه‌سنگی مشخص کرده بود. (ابن شیه، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۳۲) از امام محمد باقر (ع) نیز روایت شده است که حضرت زهرا (س) گاهی کنار قبر حضرت حمزه می‌آمد و آن را اصلاح و تعمیر می‌کرد. (ابن سعد، ۱۴۱۱، ج ۳: ۱۳ و ابن شیه، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۳۲)

طبق نقل محدثان و مورخان، از امام باقر (ع)، اولین کسی که قبر حمزه را پس از ظهور آثار فرسودگی در آن، تعمیر و ترمیم و سنگ‌چینی و علامت‌گذاری کرد و از سایر قبور مشخص ساخت، حضرت زهرا (س) بود و جالب این است که این روایت در منابع اهل سنت بیش از منابع شیعه منعکس گردیده است. متن روایت چنین است: سعد بن طریف از امام باقر (ع) نقل می‌کند که دختر رسول خدا، فاطمه زهرا قبر عمویش حمزه را زیارت و آن را ترمیم و اصلاح می‌کرد و این قبر را با سنگ‌چینی، علامت‌گذاری و مشخص ساخته بود. (ابن شیه، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۳۲) گفته

شده است که فاطمه(س) روی قبر بیرق و پرچمی نصب کرده بود تا قبر وی شناخته شود.(عبدالرزاق، بیتا، ج:۳، ۵۷۴)

- **درست کردن تسبیح:** مطابق نوشته برخی از علمای شیعه، حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا(س) بعد از شهادت حضرت حمزه از خاک مدفن او تسبیح درست کرده و پس از هر نماز با آن ذکر می‌گفت.(نوری، ۱۴۰۸، ج:۵۶، ۵)

**۳. سیره مسلمین در زیارت قبر حمزه:** مسأله زیارت و توجه به آن در روزگار رسول خدا(ص) رفته رفته مزار مؤمنین را به محلی برای رفت و آمد بیشتر اهل دل و تذکر شروع حیاتی راستین پس از مرگ و نمادهای حیات طیبه این جهانی تبدیل کرد.

تأسی به سیره رسول اکرم(ص) سبب گردید، نگاه خاصی در بین مسلمانان نسبت به پدیده زیارت به وجود آید. برای اهل سنت محوریت زیارت بیشتر بر شخص رسول گرامی (ص) تأکید دارد. برخی از مذاهب اسلامی دارای شباهت‌های بیشتری با شیعه هستند. چنانکه این امر در باره شافعیان مورد تأیید دانشمندان سنی مذهب است.(زحیلی، ۱۴۰۹، ج:۱، ۵۹)

قبور شهدای احد از همان سال سوم هجری محل زیارت مسلمانان بوده است؛ هرچند که جز قبر حمزه سیدالشهداء، قبور دیگر شهیدان احد معین نبوده(سمهودی، ۲۰۰۶، ج:۳، ۱۱۸) و تنها سنگ‌نوشته‌ای مکان عمومی دفن شهدا را مشخص می‌کرده است.(ابن نجار، ۱۴۲۷، ۲۱۳)

خلفای نخستین یعنی ابوبکر، عمر و عثمان قبر حضرت حمزه و شهدای احد را زیارت می‌کردند. آنان به شیوه رسول خدا(ص) رفتار می‌کردند که سالی یک‌بار به زیارت شهدای احد می‌رفت.(ابن شیه، ۱۴۱۰، ج:۱، ۱۳۲ و زمخشری، ۱۴۰۷، ج:۲، ۳۵۸ و فخررازی، بیتا، ج:۱۹، ۴۵)

بسیاری از صحابه دیگر نیز به سیره رسول خدا(ص) در زیارت قبور شهدای احد، عمل می‌کردند. از آن جمله اند: ابوسعید خُدَری(م ۷۴ ق.)، محمد بن مسلمه(م ۴۶ ق.)، سلمه بن وقش(م ۶۱ ق.)، ام سلمه(م ۶۱ ق.)، همسر گرامی رسول خدا و عبدالله بن عمر(م ۷۳ ق.). آنان مقید بودند که هر ماه به زیارت حضرت حمزه و سایر شهدای احد بروند و بر آنان سلام کنند.(واقعی، ۱۴۰۹، ج:۳۱۳) در نقل‌های دیگر از زیارت قبور شهدای احد از سوی صحابه از جمله سعد بن ابی وقاص، ابو سعید الخُدَری و ام سلمه نیز یاد شده است.(عاملی، ۱۴۱۴، ج:۷، ۲۹۲)

بنابه استنباطات فقها، زیارت شهدای احد در روزهای دوشنبه و پنجشنبه و شروع زیارت از قبر حمزه استحباب دارد. کسانی که به سفر حج می‌روند، مستحب است که شهدای احد را زیارت کنند. برخی دیگر گفته‌اند: بهتر این است که زیارت قبر حضرت حمزه عموی پیامبر گرامی اسلام

روز پنجشنبه انجام پذیرد. و بایسته است که قبور شهدا، همانند قبور شهدای احد، زیارت شود که رسول خدا (ص)، قبور شهدا را زیارت می‌کرد و سزاوار است زیارت قبور شهدا ترک نشود و سزاوار است که اگر کسی بخواهد قبور شهدای احد را زیارت کند، از قبر حمزه سیدالشهدا، آغاز کند. ابن حجر نیز یادآوری کرده است: مستحب است زائر با طهارت به زیارت شهدای احد برود و از قبر حمزه شروع نماید. (امینی، ۱۳۸۶، ج ۹: ۲۷)

نظر به این استحباب که از سیره پیامبر (ص) و صحابه در این باره قابل دریافت است، زیارت قبر حمزه و دیگر شهدای احد تا به امروز در میان مسلمانان تداوم دارد و زائران حرم نبوی ضمن زیارت مرقد رسول خدا (ص) معمولاً به زیارت احد نیز می‌روند. از روایت امام صادق (ع) (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۶۵۱-۶۵۲) به دست می‌آید که جدای از مزار حمزه، در جای دیگری هم قبور شهدایی دیگر بوده است که بعد از مزار حمزه، مورد زیارت قرار می‌گرفته است.

#### د) رسوم زیارت قبر حمزه

- **بیتوته در ماه رجب:** گفته شده از رسوم و عادات زیارتی مردم حجاز از گذشته‌های دور این بوده و شاید اکنون هم هست که در دوازدهم رجب هر سال از جاهای مختلف به مدینه آمده، شب را به منطقه احد بر مزار حمزه سیدالشهدا می‌رفتند و تا صبح در فضای باز که در اطراف کوه رمات بود بیتوته می‌کردند. (جعفریان، ۱۳۸۶، ۳۹۷) بنا به قولی دیگر، در این اجتماع که همه ساله در نیمه اول ماه رجب با حضور زن و مرد تشکیل می‌گردد، افزون بر مردم مدینه گروهی از اهالی مکه، طائف، جدّه، رابغ و بادیه‌نشینان نیز همه ساله برای زیارت رجبیه در احد و در کنار حرم حضرت حمزه حاضر می‌شوند و در این اجتماع قربانی‌های زیادی ذبح و حاضرین اطعام و بدانان احسان می‌گردد. (نابلسی، بیتا، ج ۳: ۲۳۲)

لبیب بتونی مصری نیز که پیش از تخریب آثار مدینه به حج مشرف شده، در سفرنامه‌اش عکسی از حرم حضرت حمزه ارائه می‌کند که در اطراف آن چادرهای زیادی برافراشته شده و در زیر آن عکس، این جمله را می‌نویسد: این حرم حضرت حمزه است که در اطراف آن چادرهای زائران مدینه دیده می‌شوند. (بتونی، ۱۳۲۹، ۳۴۵)

در نقل فاکهی شافعی نیز آمده است: زیارت‌شان کنید و بر آنان سلام بفرستید، به جانم سوگند، هیچ کس بر آنان سلام نمی‌کند، مگر آنکه تا روز قیامت جوابش را خواهند داد. (فاکهی، بیتا، ۸۳)

- **تبرک جستن به تربت حمزه:** مطابق خبر ابن جبیر (۱۴۱۴ق.ه) در سده هفتم هجری، در اطراف قبور شهدا در احد، خاک سرخی وجود دارد که مردم به آن تبرک می‌جویند. (ابن جبیر، ۱۹۸۶، ۱۵۵)



نیز سخن سمهودی، مدینه‌شناس معروف، نشانگر آن است که مسلمانان از گذشته‌های دور به عنوان تبرک و شفا، خاک اطراف قبر حضرت حمزه را به عنوان سوغات برمی‌داشتند و به عنوان هدیه از مدینه منوره، در میان اقوام و دوستان خود توزیع می‌کردند و با اینکه در میان فقهای اهل سنت انتقال خاک حرم مدنی مورد اختلاف بوده و عده‌ای از آنان حمل خاک مدینه را هم مانند خاک حرم مکی جایز نمی‌دانستند، ولی همین علما نیز حمل تربت حمزه را به دلیل سیره عملی مسلمانان جایز می‌دانستند. سمهودی در این مورد می‌گوید: زرکشی حمل تربت حمزه را از خاک سایر نقاط مدینه مستثنی دانسته و به دلیل اینکه مسلمانان در طول قرن‌های متمادی این تربت را برای استشفای مداوای سردرد به شهر و دیار خود حمل می‌کردند تجویز نموده است. سمهودی می‌افزاید: چون حمل این تربت برای استشفای مداوا است، آن را از سیل‌گاهی که در نزدیکی حرم حمزه علیه السلام واقع است برمی‌دارند و نه از خود قبر. (سمهودی، ۲۰۰۶، ۱۱۶-۱۱۷)

از مطالب آورده شده در باره تبرک جستن به تربت حضرت حمزه، مشخص می‌شود که حمل و استشفای از آن، از قرون نخستین هجری در میان مسلمانان معمول بوده است؛ به طوری که علمای قرن‌های ششم و هفتم عمل آنها را به عنوان سیره مسلمانان صدر اسلام ملاک و دلیل فتوای خویش قرار داده‌اند. در قرن‌های اخیر نیز، این بینش مسلمانان نسبت به خاک حمزه علیه السلام و تبرک جستن به آن، تا تسلط سعودی‌ها و روی کار آمدن وهابی‌ها ادامه داشته است.

**- زیارت در روزی خاص:** برخی از اندیشوران اسلامی همانند ابن عساکر (م ۶۸۶ ق.) و ابن حجر هیتمی (م ۹۷۳ ق.) روز پنجشنبه را مخصوص زیارت حضرت حمزه دانسته‌اند. (ابن عساکر، بی‌تا، ۹۲) بر همین اساس مسلمانان هم تا جای ممکن - در برخی ادوار - عصر پنجشنبه به زیارت حمزه مبادرت می‌کردند. (عیاشی، بی‌تا، ج ۱: ۳۹۶) البته در دوره‌هایی، خود بقعه حضرت حمزه نیز، همیشه باز نبوده (ابن مطهر، بی‌تا، ۱۷۸) و کلیدداران بقعه از اوایل قرن هفتم هجری (ابن نجار، ۱۴۲۷، ۷۳) به بعد تنها پنجشنبه‌ها آن را بر روی زائران می‌گشودند. خفاجی حنفی گفته است: روز دوشنبه مخصوص به زیارت شهدای احد است. (خفاجی، بی‌تا، ج ۵: ۱۰۹) در عصر حاضر، زائران دیگر کشورها به‌ویژه ایرانیان، مطابق برنامه حضورشان در مدینه اقدام به زیارت قبر حمزه از پشت نرده‌ها می‌کنند. به ویژه که در برخی روایات، برخی روز زیارت مزار آن حضرت را دوشنبه نیز ذکر کرده‌اند.

**- خواندن زیارت‌نامه:** در منابع شیعی زیارت‌نامه مخصوصی برای حمزه آورده شده که در آن از او به عنوان عمو و شیر خدا و رسولش یاد شده و با این تعبیر به حمزه سلام داده می‌شود. (ابن قولویه، بی‌تا، ۶۲-۶۱) سپس زائر دو رکعت نماز به نیت زیارت او می‌گزارد و پس از آن، خود را به قبر نزدیک کرده و دعای وارد شده را می‌خواند.

### نتیجه

با توجه به جایگاه و شخصیت حضرت حمزه (ع) در تاریخ اسلام، مدفن او از همان سال اول شهادتش مورد اقبال و زیارت پیامبر (ص)، حضرت زهرا (س)، صحابه، تابعین، علما و دیگر مسلمانان قرار گرفته بود. از قرن سوم هجری به بعد بر روی قبر حمزه بقعه و بارگاهی ساخته شد و در قرون بعدی بارها مورد مرمت و باسازی قرار گرفت. در این مدت طولانی که همزمان با امارت اشراف (سادات حسنی) بر حجاز و نیز تسلط عثمانی بر حرمین شریفین بود، مردم حجاز و زائران مرقد نبوی، رسوماتی در زیارت حمزه و دیگر شهدای احد داشتند که مراسم نیمه ماه مبارک رجب و بیتوته در کنار مزار شهدا و تقسیم نذورات و ذبح قربانی، از مهمترین آنها بود. با تسلط وهابیون و آل سعود بر مدینه منوره، بنای روی قبر حمزه گویا از آن روی که زائران اقدام به تبرک جستن به تربت و توزیع نذورات می کردند تخریب شد و قبر آن حضرت و دیگر شهدای احد در میان دیوارها محصور گردید. برخلاف همه این ممانعت‌ها، زیارت حمزه از بیرون محوطه مقابر شهدای احد، پیوسته ادامه یافته و آداب و رسوم خاص خود را داشته است.

## منابع

۱. آقسرائی، محمد بن محمود (۱۳۶۲). *تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخبار و مسایره/الاخبار*، به اهتمام و تصحیح عثمان توران، ج ۲، تهران: اساطیر.
۲. ابن اسفندیار، بهاءالدین محمد بن حسن (۱۳۲۰). *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال، به همت محمد رضائی، تهران: گلاله خاور.
۳. ابن ابراهیم، محمد (۱۳۴۳). *سلجوقیان و غز در کرمان*، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: کتابفروشی طهوری.
۴. ابن ازرق الفاروقی، احمد بن یوسف (۱۳۷۹ ق). *تاریخ الفاروقی*. قاهره: بی‌نا.
۵. ابن الاثیر، عزالدین ابی‌الحسن علی (۱۳۸۶ ق). *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صاد.
۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱). *تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، تهران: مؤسسه مطبوعات علمی.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲ ق). *التاریخ الباهر فی الدوله الاتابکیه بالموصل*، تحقیق عبدالقادر احمد طیلمات، قاهره: دارالکتب الحدیثه.
۸. ابن خلدون، محمد بن عبدالرحمن (۱۳۶۶). *العبر*. ترجمه محمد پرویز گنابادی، تهران: علمی فرهنگی.
۹. ابن العدیم، ابوالقاسم (۱۹۹۸ م). *بغیه‌الطلب فی تاریخ حلب*، تحقیق سهیل ذکار، دمشق: دارالکتاب العربی.
۱۰. ابن واصل، جمال‌الدین محمد بن سالم (۱۳۸۳). *مفرج‌الکروب فی اخبار بنی ایوب (تاریخ ایوبیان)*، تصحیح جمال‌الدین الشیال، ترجمه پرویز اتابکی، تهران: علمی فرهنگی.
۱۱. ابی‌الفداء، عمادالدین اسماعیل بن علی بن مؤید (۱۱۱۹ ق). *المختصر فی اخبار البشر*، تحقیق محمد زینهم محمد عزب، یحیی سید حسین و حسین مونس، قاهره: دارالمعارف.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۴۶). *تاریخ مفصل ایران از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه*، تهران: کتابفروشی خیام.
۱۳. بارتولد، و. و (۱۳۷۶). *تاریخ ترک‌های آسیای میانه*، ترجمه به زبان فرانسوی بانوم دونسکیس، ترجمه به فارسی غفار حسینی، تهران: توس.
۱۴. باسورث، ادmond کلیفورد و دیگران (۱۳۹۰). *سلجوقیان*، ج ۲، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.

۱۵. باسورث، ادموند کلیفورد (۱۳۵۶). *تاریخ غزنویان*، ترجمه حسن انوشه، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). «تاریخ سیاسی و دودمانی ایران (۳۹۰-۶۱۴ هجری/ ۱۰۰۰-۱۲۱۷ میلادی)»، تاریخ ایران کمبریج از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی ایلخانان، گردآورنده جی. آ. بویل، ترجمه حسن انوشه، ج ۵، چ ۴، تهران: امیرکبیر.
۱۷. بنداری الاصفهانی، عمادالدین محمد بن محمد بن حامد (۱۴۰۰ ق). *تاریخ لدوله آل سلجوق*، تحقیق لجنة احیاء التراث العربی فی دارالآفاق الجدیده، الطبعه الثالث، بیروت: دارالآفاق الجدیده.
۱۸. بیهقی، ابوالفضل (۱۳۵۸). *تاریخ بیهقی*، تصحیح علی اکبر فیاض، به کوشش عبدالحسین احسانی، تهران: ایرانمهر.
۱۹. *تاریخ آل سلجوق در آناتولی* (۱۳۷۷). مقدمه، تصحیح و تعلیقات نادره جلالی، تهران: آینه میراث مکتوب.
۲۰. توران، عثمان (۱۳۸۳). *آناتولی در دوران سلجوقی و بیگ‌ها*، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه تیمور قادری، ج ۱، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). *تاریخ سلجوقیان و تمدن ترک-اسلام*، ترجمه پرویز زارع شاهمرسی، تبریز: اختر.
۲۲. جعفری، جعفر بن محمد بن حسن (۱۳۴۳). *تاریخ یزد*، به کوشش ایرج افشار، ج ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۳. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله چلبی (۱۳۷۶). *تقویم التواریخ*، ترجمه میرهاشم محدث، تهران: احیاء کتاب.
۲۴. حسینی، علی بن ناصر بن علی (۱۹۹۳ م). *اخبارالدوله السلجوقیه*، اعتنی بتصحیحه محمد اقبال، بیروت: دارالآفاق الجدیده.
۲۵. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین الحسینی (۱۳۳۳). *حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر*، با مقدمه جلال‌الدین همائی، زیر نظر محمود دبیرسیاقی، ج ۲، تهران: کتابفروشی خیام.
۲۶. خسروی، علی (۱۳۹۶). *ازان در عصر سلجوقیان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما جواد عباسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۷. راوندی، محمد بن علی بن سلیمان (۱۳۳۳). *راحه‌الصدر و آیه‌السرور*، به سعی و

- تصحیح محمد اقبال، تصحیح مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر.
۲۸. زرکوب شیرازی، ابوالعباس (۱۳۵۰). *شیرازنامه*، به کوشش اسماعیل واعظ جودی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲۹. ساجدی، عبدالله و خسروبیگی، هوشنگ (۱۳۹۸). *مشروعیت در حکومت‌های ترک‌تبار (غزنویان تا خوارزمشاهیان)*، تهران: ندای تاریخ.
۳۰. سومر، فاروق (۱۳۹۰). *تاریخ غزها (ترکمن‌ها) تاریخ، تشکیلات طایفه‌ای و حماسه‌ها*، ترجمه وهاب ولی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۱. شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد (۱۳۶۳). *مجمع‌الانساب*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
۳۲. طقوش، محمدسهیل (۱۳۹۶). *تاریخ سلجوقیان در سرزمین شام*، ترجمه لیلا مودت، با همکاری شکرالله خاکرند و جواد موسوی دالینی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۳. غفاری قزوینی، قاضی احمد (۱۳۴۳). *تاریخ جهان‌آرا*، با مقابله علامه قزوینی، تهران: کتابفروشی حافظ.
۳۴. غفاری کاشانی، احمد بن محمد (۱۴۰۴ ق). *تاریخ نگارستان*، تصحیح مرتضی مدرس گیلانی، تهران: کتابفروشی حافظ.
۳۵. فروزانی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۳). *سلجوقیان از آغاز تا فرجام*، تهران: سمت.
۳۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). *قراخانیان بنیانگذاران نخستین سلسله ترک مسلمان در فرارود*، تهران: سمت.
۳۷. کاتب یزدی، احمد بن حسین بن علی (۲۵۳۷). *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، چ دوم، تهران: امیرکبیر.
۳۸. کرمانی، افضل‌الدین ابوحامد (۱۳۲۶). *تاریخ افضل یا بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان*، فرآورده مهدی بیانی، تهران: دانشگاه تهران.
۳۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۱۱). *عقد‌العلی للموقف‌الاعلی*، تصحیح علیمحمد عامری نائینی، مقدمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: روزبهان.
۴۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۳۱). *المضاف الی‌البدایع‌الازمان فی وقایع الکرمان*، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال، تهران: بی‌نا.
۴۱. کلوزنر، کارلا (۱۳۶۳). *دیوانسالاری در عهد سلجوقی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران:

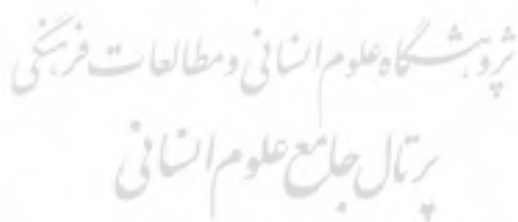
- انتشارات امیر کبیر.
۴۲. گروسه، رنه (۱۳۵۳). *امپراتوری صحرانوردان*، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۳. لمبتون، آن. ک. س (۱۳۷۲). *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نی.
۴۴. مستوفی بافقی، محمدمفید (۱۳۸۵). *جامع مفیدی*، تصحیح ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر.
۴۵. منشی کرمانی، ناصرالدین (۱۳۶۴). *نسائم الاسحار من لطائف الاخبار در تاریخ وزرا*، به تصحیح و مقدمه و تعلیق میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران: انتشارات اطلاعات.
۴۶. محمدی قناتغستانی، مهدی (۱۳۹۲). *تابستان ۱۳۹۳*. «بررسی نسبت تعداد حکومت‌های شام با میزان پیروزی مسلمانان در جنگ‌های صلیبی از سال ۴۹۰ ق تا ۵۶۹ ق»، تاریخ اسلام در آیین پژوهش، سال یازدهم، شماره اول، پیاپی سی و ششم، ص ۹۴-۷۳.
۴۷. میرخواند، محمد بن خاوندشاه بن محمود (۱۳۸۵). *روضه‌الصفاء فی سیره الانبیاء والملوک و الخلفاء*، تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر، چ دوم، تهران: اساطیر.
۴۸. نطنزی، معین‌الدین (۱۳۸۳). *منتخب‌التواریخ*، به اهتمام پروین استخری، تهران: اساطیر.
۴۹. نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۳۲). *سلجوقنامه به همراه ذیل سلجوقنامه*، تهران: گالاله خاور.
۵۰. وصاف شیرازی، شهاب‌الدین عبدالله (۱۳۳۸). *تجزیه‌الامصار و ترجیه‌العصار (تاریخ و صاف)*، به اهتمام محمدمهدی اصفهانی، تهران: کتابخانه ابن سینا.
۵۱. هولت، پی. ام (۱۳۷۸). *تاریخ اسلام (پژوهش دانشگاه کیمبریج)*، ترجمه احمد آرام، چ ۲، تهران: امیر کبیر.
۵۲. هیلبراند، کارول (۱۳۹۵). *نظام‌الملک وزیری تک‌رو*، چاپ شده در کتاب سلجوقیان، از ادموند هرتسیک و سارا استوارت، ترجمه کتظم فیروززمنند، ص ۵۴-۳۹، تهران: نشر مرکز.
۵۳. همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۸۶). *جامع‌التواریخ (تاریخ آل سلجوق)*، تصحیح محمد روشن، تهران: مرکز پژوهش‌های میراث مکتوب.
۵۴. یزدی، شهاب‌الدین حسن (۱۳۹۹). *جامع‌التواریخ حسنی (بخش تاریخ سلجوقیان)*، مقدمه، تحقیق و تصحیح بلنت اوزقوزو گودنلی، تهران: ترجمه و نشر آثار هنری متن.

55. یوسفی فر، شهرام (۱۳۸۶). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی ایران در دوره سلجوقیان، تهران: انتشارات پیام نور.

Bezzar, G. O. (2000). Ildeniz Semseddin ildenzliler hanedaninin kurukusu ve ilk hukumdari (1148- 1175), Turkiye Diyanet Vakfi, islam ansiklopedisi, cilt 22: Ankara.

Peacock, A. C. S. (2015). The great Seljuk empire, Edinburgh, University press.

Yazar, N (2011). Kirman meliki kavurd beyin buyuk selcuklutahtini ele gecirme tesebbusleri, hititi universitesi ilahiyat facultesi, c. 10, sayi: 19pp. 221- 237





پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>